

بررسی و شناخت کشیده‌ها در خط نستعلیق

● کاوه تیموری

■ کتاب کشیده

(بررسی و شناخت کشیده‌ها در خط نستعلیق)

■ نوشته: امیر احمد فلسفی

■ انتشارات فرهنگسرا (پاساوی)، چاپ اول، ۱۳۷۷.



«کتاب کشیده» با عنوان فرعی «بررسی و شناخت کشیده‌ها در خط نستعلیق» یکی از کتابهای آموزشی در زمینه هنر خوشنویسی به شمار می‌آید که به تازگی روانه بازار این هنر شده است. مؤلف و خوشنویس کتاب یکی از مدرسان سختکوش انجمن خوشنویسان ایران است و تا آنجایی که ذهن نگارنده گواهی می‌دهد در سال ۱۳۵۹ دوره ممتاز انجمن را به پایان رسانده و از همان سالها به تدریس این هنر ارزنده اشتغال دارد. فلسفی این هنر را نزد بزرگانی چون مرحوم زنده یاد استاد حسن میرخانی (۱۳۶۹-۱۲۸۷) استاد کیخسرو خروش و استاد غلامحسین امیرخانی آموخته و یکی از علاقمندان راستین این هنر به شمار می‌رود که همواره از سر قدم عشق ساخته و در جهت تکمیل هنر خویش به ریاضت‌های عاشقانه فراوانی دست زده است. از کلک پر شور این هنرمند جوان کارنامه‌ای پر برگ و بار حاصل آمده که به اجمال می‌توان از کتاب رباعیات باباطاهر (۱۳۶۳)، کلیات دیوان اقبال لاهوری (۱۳۶۶)، دیوان حافظ (۱۳۷۰)، دیوان حسن حسن‌زاده املی (۱۳۶۴)، ترجیع بند خواجوی کرمانی (۱۳۶۷) رباعیات

خیام (۱۳۷۵) و چندین اثر گرد و درشت دیگر نام برد. «کتاب کشیده» در زمره آثار است که جنبه آموزشی این هنر را در بر می‌گیرد و در حقیقت تداوم و استمرار اثر قبلی فلسفی است که در وادی آموزش گوشه‌ها و زوایای مهم خوشنویسی نستعلیق قبلاً به چاپ رسیده است. این اثر کتاب «ترکیب در نستعلیق» نام دارد که در سال ۱۳۶۸ توسط انتشارات انجمن خوشنویسان به چاپ رسیده و از اقبال خوبی در نزد هنر جویان برخوردار شده است. فلسفی در مقدمه «کتاب کشیده» ادعای اصلی خود را از نگارش این اثر بدست دادن «تعریف و تشریح انواع «کشیده» و دسته بندی و تفکیک آنها از یکدیگر» بیان می‌دارد و بر آن است تا «شناخت روشن و مشخصی از کشیده بوجود آورد» و همچنین نحوه استفاده مطلوب آنها را در موارد گوناگون بیان نماید.

نکته‌ای که مؤلف اثر در پیشگفتار بر آن تصریح می‌ورزد نام‌گذاری کشیده‌هاست که مبنای آن‌ها را ذوق و برداشت و تجربه شخصی عنوان نموده است. تألیف و تحریر آثار آموزشی و به قول خوشنویسان

رسم الخط یا رسم‌المشق در وادی هنر خط امر پرسابقه‌ای است. از رسالات خوشنویسی متقدمین مانند آداب الخط باباشاه اصفهانی (۹۶۶ ه. ق.) که بنا بر غلط مشهور به نام میرعمادالحسنی (۱۰۲۴-۹۶۱ ه. ق.) نسبت داده شده، رساله منظوم صراط السطور سلطانه‌ی مشهدی (۹۲۶-۸۴۱ ه. ق.) و رساله رسم الخط مجنون رفیقی هروی (قرن دهم) و دیگرانی که می‌توان فهرست بلندی از آنها ترتیب داد هر یک به نوعی رسالاتی در هنر خوشنویسی و هنرهای وابسته به یادگار نهاده‌اند که در زمان و جایگاه خود اثر ارزنده‌ای به شمار می‌رود. اقا رسم‌المشق به شکل امروزی آن بنا بر قول مشهور و بررسی شواهد و آثار از محمد حسین خان عماد‌الکتاب (متوفی ۱۳۱۸ ه. ش) خطاط مبرز و چیره‌دست اواخر عهد قاجار و دوران پهلوی اول آغاز می‌شود و کتاب رسم الخط آن زنده یاد چند سال پیش مجدداً به چاپ رسید بعد از این اثر همواره توسط استادان خط نستعلیق رسم‌الخط‌ها و جزوات آموزشی متعددی در دسترس هنر جویان خوشنویسی قرار گرفته است. پس از ظهور انقلاب اسلامی گرایش به هنر

خوشنویسی از اقبال و استقبال قابل توجهی برخوردار گردید و به دلیل فعالیت انجمن خوشنویسان در زمینه انتشار آثار خوشنویسی دو رسم الخط مهم یکی رسم الخط امیرخانی (۱۳۶۱) و دیگری رسم المشق مرحوم یزدانی (۱۳۶۲) به چاپ رسید. البته جزوات آموزشی دیگری هم به چاپ رسیدند اما چون مقرر است که در مقاله جداگانه فهرستی از کتابهای آموزشی در زمینه خط نستعلیق آماده و نقد و بررسی شوند به آنها نمی پردازیم. ویژگی رسم المشق های چاپ شده در این بود که با ارائه نمونه ها و سطرها و حروف و کلمات مخاطب خود را در یادگیری خط کمک می کردند بی آنکه شرحی بر چند و چون قواعد خط ارائه کنند.

گام نخست در این راه چاپ کتاب «ترکیب در نستعلیق» (ناشر انجمن خوشنویسان: ۱۳۶۸) بود که در آن مؤلف و خوشنویس کتاب یکی از اصول بنیادی خط یعنی «ترکیب» را با ارائه شرح و بسط نظری مختصری، همراه با ارائه نمونه ها به هنرجویان عرضه کرده بود. گام بعدی انتشار اثر مهم دیگری بنام «آداب الخط امیرخانی» بود که در سال ۱۳۷۰ توسط انتشارات انجمن خوشنویسان چاپ گردید. در این اثر نیز توضیحات مؤلف و خوشنویس مزین به الگوهای خوشنویسی شده بود و از اقبال فراوان علاقمندان هنر خوشنویسی نیز بهره مند گردید. در کنار این آثار نمونه های مشابهی نیز ارائه گردید که در زمان خود به بررسی آنها پرداخته خواهد شد.

حال با این مقدمه «کتاب کشیده» در واقع استمرار این شیوه تازه در وادی آموزشی نستعلیق است و تلاش جدید فلسفی را در این زمینه عرضه می کند.

نخست باید در زمینه انتخاب عنوان «کتاب کشیده» به عنوان یک خواننده بی طرف این نکته بیان شود که این عنوان به تنهایی مفهوم روشن و واضحی را عرضه نمی کند و تنها بعد از خواندن عنوان فرعی آن است که خواننده در می یابد که با تألیفی در حوزه آموزش خوشنویسی روبرو شده است. بنظر می رسد که همان «بررسی و شناخت کشیده ها در خط نستعلیق» عنوانی فنی، بجا و گویاست. در صفحه روی جلد نیز نام نویسنده به عنوان مؤلف و خوشنویس نیامده، هر چند که در صفحه شناسنامه تنها از وی به عنوان مؤلف اثر و نه خوشنویس آن ذکر نام می رود. آغاز کتاب با تابلویی از آیه نخستین سوره قلم است که با اقلامی از «کتابت تاکتیبه» به نگارش در آمده و مبین شأن و اعتبار قلم در پر تو کلام وحی و آینه سخن الهی است. فهرست مطالب در بردارنده ۲۳ عنوان است که بدون فصل بندی و ذکر بخش ها، دنبال هم آمده اند.

بجز عنوان اول که پیش گفتار را به خود اختصاص داده در ۲۲ عنوان بعدی بدون استثناء کلمه کشیده تکرار شده است و مواردی شامل - تعاریف، انواع، زیبایی، و یا عدم زیبایی، اندازه، همجواری، کرسی، گودی و تعداد آنها در خصوص کشیده ها مورد بحث قرار گرفته اند. شیوه کار مؤلف محترم کتاب ابتدا ارائه موضوع مربوط به کشیده است و سپس برای تأیید و ارائه پشتوانه لازم نمونه هایی درج می شود و از این طریق خواننده مقصود مؤلف را در می یابد. در واقع مؤلف به شکل تخصصی در

نت خاک درت بر بصری نیت کت نیت

رفتار مبتدیان

س شش کشیده ششم



صدد است که یکی از عناصر مهم و به تعبیری دیگر از دیدگاه نویسنده مهمترین عنصر هنری در خوشنویسی نستعلیق را مورد بررسی قرار دهد. به همین دلیل با ارائه تعریفی از کشیده که شامل «حروفی که دارای سطح باشند و در مسیر سطر یا تمام پهنای دم قلم حرکت کنند و سه نقطه یا بیشتر طول داشته باشند» بحث را درباره آنها پی می گیرد. مؤلف در این قسمت بخوبی از کارکرد و نقش کشیده در ایجاد تعادل و توازن در سطر و بوجود آوردن حرکات آرام و افقی واقف است و نکته های فنی مهمی را چون توازن بین سواد و بیاض اسفیدی صفحه و سیاهی حروف را در خصوص کشیده ها بیان می کند. کتاب با انجام تقسیم بندی های کشیده به پیش می رود و هر کدام از عنوان های کشیده های حقیقی، مجازی، منفرد و متصل خود عنوان قسمت تازهای می گردند. مؤلف کشیده های حقیقی را زیباترین نوع کشیده ها معرفی می کند. اهل فن می دانند که در معماری خط نستعلیق بنابر ویژگی ساختاری و هندسی این حروف ملاحظه می شود که بعضی از آنها مانند ب، پ، س کشیده، ف و... بطور ذاتی دارای حرکت افقی در

خط زمینه هستند و بطور طبیعی حرف دارای کشیدگی افقی است. این امر زیبایی آنها را مضاعف می کند این نوع از کشیده ها معمولاً با ۶ دایره قلم از آغاز می شوند.

مؤلف محترم از کلمات و حروف و حرکات دیگر نستعلیق مانند کشیده های «فر»، «نل» و «بینا» به عنوان کشیده مجازی یاد می کند و در عین حال ملاکی برای تفکیک کشیده حقیقی از مجازی ارائه نمی دهد. در قسمت کشیده های منفرد تعریفی برای این دسته از کشیده ها بیان می شود که در واقع برای کشیده های حقیقی نیز آن تعریف بیان شده است و تنها تأکید بر جدا بودن این دسته از کشیده ها است.

در قسمت بعد از کشیده های متصل نام برده می شود و در قالب تعریف از این دسته از کشیده ها ویژگی کشیده های حقیقی و مجازی برای آنها عنوان می گردد. برای کشیده های تخت مؤلف محترم معتقد است که حروفی مانند «ب»، «پ» و... (صفحه ۲۹ کتاب) که حداقل هفت نقطه و یا بیشتر طول داشته باشند از دسته کشیده های تخت هستند. در صورتی که حروف فوق حتی در صورت پنج نقطه بودن جز کشیده ها یا به تعبیری که مؤلف محترم در صفحات بعد کتاب (ص ۱۰۲) به نام نیم کشیده بدان اشارت داشته اند «نیم کشیده» به شمار می آیند. بنابر این ارائه ملاک هفت نقطه و استناد بدان منطقی نمی باشد. در ادامه آنچه که به دلنشینگی اثر، بسیار می افزاید ارائه سطرها و دو سطرهایی است که در آنها کلمات کشیده به شکل استادانه و زیبایی استقرار یافته اند، فلسفی در ارائه نمونه ها و مصداقهای نستعلیق بسیار موفق است. آنگونه که راقم این سطور مطالعه کرده است در کتاب فقط یک ایراد تائیدی در پاراگراف اول ص ۳۵ دیده می شود و آن کلمه کتاب است که باید به کتابت بدل شود.

معمولاً در مجموعه کتاب قدری تکرار موضوعات و جملات دیده می شود. به عنوان مثال در صفحه ۲۶ ذیل عنوان یاد آوری، مطلب تکرار شده است البته اگر مراد مؤلف محترم این بوده که با تکرار مطالب زمینه رسوخ بهتر آنها در ذهن خواننده فراهم شود بطور یقین کار پسندیده ای است ولی اگر چنین منظوری در کار نیست باز بطور یقین این تکرار مکررات مخل فصاحت در کتاب می باشد.

کار بسیار مفید و مثبتی که توسط مؤلف محترم در مورد کشیده ها و نیم کشیده های تخت دیده می شود تمیز و تفکیک آنان است که به راحتی خواننده با ارائه نمونه های زود یاب به این تفاوتها دسترسی پیدا می کند.

در قسمت کشیده های کمائی (صفحه ۴۷) چند نمونه از این دسته کشیده ها ارائه شده که بنابر تعاریف مؤلف محترم دو کشیده آخر یعنی «نسیم» و «چشم» متعلق به کشیده های مجازی از نوع کمائی آن هستند و جای آنها در صفحات بعد است که لازم است این کار در چاپهای بعدی اثر توسط مؤلف محترم انجام شود زیرا برای هنرجویان و خوانندگان ایجاد ابهام و تردید می نماید. صفحاتی که در زمینه ارائه انواع کشیده های



مجازی کمائی به رقم فلسفی تحریر شده بسیار چشم‌نواز و فرح‌انگیز است و به عبارتی تمام توش و توان خامه او در این صفحات متجلی شده است.

تقسیم بندی‌های متعدد کتاب از کشیده‌ها و انواع آنها موجب می‌شود که اسامی کم کم در ذهن هنرجو جای گیرد و آن رشته منطقی از آغاز تا انجام حاصل نگردد. ضمن آنکه در متن اثر بحث‌های فنی و هندسی مربوط به فرود و فراز کشیده‌ها بسیار مفید و مؤثر است. اوج این تقسیم‌بندیها در نمودار صفحه ۵۴ کتاب است. اگر خواننده قسمت کشیده‌های همجوار را مطالعه نماید در می‌یابد که جای این نمودار در واقع در انتهای این قسمت بوده و نه در ابتدای آن.

در مورد کشیده‌های همجوار عبارت «یک و نیم کشیده‌ای» مبهم است. پیشنهاد این است که چون منظور مؤلف محترم بیان دو کشیده است که یکی بلند و دیگری کوتاه باشد بهتر است واژه «یک کشیده و نیم کشیده» استفاده شود زیرا واژه «یک و نیم کشیده‌ای» کشیده‌ای بزرگ و کلمه‌ای مرکب را تداعی می‌کند. با توجه به اینکه مؤلف محترم یکی از نستعلیق نویسان ناب به شمار می‌آید و همواره در چارچوب قواعد کلاسیک آن معلمی موفق بوده‌اند و بطور حتم ارائه نوآوریها توسط ایشان مورد تقلید هنرجویان قرار خواهد گرفت لذا لازم است هر گونه تفتن یا ارائه حرکت‌های جدید با در نظر داشتن موارد مذکور جنبه اجتماعی و عمومی پیدا کند. به عنوان مثال در ص ۵۶ کتاب در مصرع «چشم سیهت بترکتازی مشهور» مؤلف محترم کشیده در کلمه مشهور حرف شین را که در انتها به صورت شش دانگ قلم ادا شده به حرف «ه» وصل کرده‌اند. حال اینکه این حرکت چیزی به زیبایی سطر اضافه نکرده است از طرفی خود مؤلف محترم در همین

کتاب به این نکته قائل شده‌اند که اتصال زیانه کامل قلم به حروف در ردیف کشیده‌های متروک است و هم اکنون استفاده نمی‌شود در صفحه ۵۷ مؤلف محترم از کشیده‌هایی نمونه ارائه داده‌اند که نه در ادوار گذشته خوشنویسی و نه در معاصرین چه در قطعه‌نویسی و چه در کتابت مورد استفاده‌ای برای آنها نمی‌یابیم مانند کلمات سنگینش و سلطنتش که البته به صورت اعمال دو کشیده یعنی نوشته‌های سمت راست کتاب.

مؤلف محترم در تقسیم کشیده‌های تخت قائل به «نیم کشیده تخت و کشیده تخت» و «کشیده تخت و نیم کشیده تخت» هستند که در عمل فرق زیادی با هم ندارند و عملاً از اعمال تقسیم بندی بی‌نیازند. زیرا اگر براساس این مدرک‌ها دست به تقسیم بندی بزنیم فهرست زیادی از عناوین آنها خواهیم داشت.

در صفحه ۶۷ کتاب مؤلف محترم برای ارائه نمونه از دو کشیده کمائی به ناچار دو کلمه سپهر و بلند را در یک مصرع کوتاه به صورت کشیده در کنار هم آورده‌اند. در صورتی که خودشان به این نکته وقوف داشته‌اند که ظرفیت نهایی این سطر کوتاه تنها یک کشیده و آنهم کلمه سپهر خواهد بود و حتی در آخرین سطر صفحه ۶۶ نیز آن مصرع یعنی «ای صبا امشبم مدد فرمای» تحمل سه کشیده را ندارد. در عین حال در بسیاری از سطرها نیز در نهایت زیبایی، کشیده‌ها به قلم مؤلف محترم خودنمایی می‌کنند و انبساط خاطر را به بیننده منتقل می‌نمایند. در بحث کشیده‌های رویهم از کشیده‌های نازیبایی یاد شده که شیوه ذوق طبیعی و کشش هنری افراد آنها را نمی‌پذیرد و تاکنون نیز معمول نبوده است. از یک سو باید به این نکته نیز تاکید ورزید اگر کشیده‌های کمائی و تخت که از نوع کشیده‌های روی هم هستند زیبایی فوق‌العاده‌ای دارند خود بخود عقل سلیم را به

سوی خود جذب می‌کنند. و از سوی دیگر نیز باید تاکید شود که تقسیم‌بندی کشیده‌ها به درجه ۱ و ۲ قابل تأمل می‌باشد زیرا با توجه به تنوع حروف و کلمات و جملات و همچنین مصرع‌های شعری این خوشنویس است که بنا بر تسلط و قدرت قلم و شم هنری خویش به کشیده ارزش و اعتبار درجه ۱ و درجه‌های دیگر را می‌دهد. این امر بدیهی است زیرا بسیاری از کلمات به حالت کشیده وقتی در دستان چیره دست بعضی از خوشنویسان قرار می‌گیرند حق نگارش آنها بخوبی ادا می‌شود و هویت تازه‌ای می‌یابند و خوشنویسان دیگر با دریافتن این قابلیت تمرکز بیشتری برای اجراهای دلنشین بر روی آنها پیدا می‌کنند البته لازم بذکر است که خود مؤلف محترم پس از این درجه بندی در نهایت در صفحه ۹۴ و ۹۸ معیار درجه را به «فراخور ترکیب» و یا در جاهای دیگر «تجربه و مهارت خوشنویس» نسبت می‌دهند.

در مورد کشیده‌های اصلی و مکمل، مؤلف محترم قائل است که کشیده مکمل از کشیده اصلی کوتاه‌تر است. ولی در بعضی موارد مثلاً در سطر اول صفحه ۱۰۳ کشیده مکمل اگر نگوییم از کشیده اصلی بزرگتر است ولی از آن نیز کوچکتر نمی‌باشد. در ارائه سطور بعدی نیز تنها ملاک روشنی که در مورد «اصلی بودن» یا «مکمل بودن» ارائه می‌شود همان تشخیص مؤلف محترم است که در بالای هر سطر ارائه شده است. تعریف کشیده مکمل نیز باید در صفحه ۹۶ که برای اولین بار از کشیده مکمل سخن به میان آمده ذکر می‌شود. در مورد کشیده‌های مکمل و کشیده‌های اصلی احتمال این که هنرجو دچار سر درگمی شود، وجود دارد. باز در صفحه ۱۱۵ کشیده مکمل از کشیده‌های سطر بزرگتر است.

قسمت دیگری از کتاب به کشیده‌های متروک اختصاص دارد. کلماتی مانند «عشق» و «شور» در

بعضی از آثار میر عماد الحسنی (۱۰۲۶-۹۶۱ ه. ق.) منجمله در چلیپاهای آن استاد به صورت کشیده نوشته شده که امروز دیگر اقبالی به نگارش آنها نمی‌رود. البته این دسته از کشیده‌ها بسیار اندک بوده و در آن روزگاران نیز بسیار کم مورد استفاده قرار گرفته‌اند و هیچگاه به عنوان یک قاعده عمومی و هنجاری برای نوشتن توسط اهل فن در نیامده‌اند. به زبان دیگر نگارش این نوع از کلمات فراز آنچنانی نداشته که فرود آنها را بدنبال بیاورد. البته مؤلف محترم از کشیده‌های دیگری نیز به عنوان کشیده‌های متروک یاد کرده‌اند که در گذشته نیز یا کم استفاده شده‌اند و یا اصلاً استفاده نشده‌اند. در مورد کشیده‌های به تعبیر مؤلف محترم «نازیبا» حقیقت آن است که این نوع از کشیده‌ها همچنانکه اشاره شده در هیچ دوره‌ای از ادوار اوج و حضيض هنر خوشنویسی حتی توسط خوشنویسان عادی نیز بکار گرفته نشده‌اند و به عبارتی دفع و ضرر این دسته از کشیده‌ها نوعی از توضیح و اضحات به شمار می‌رود مثلاً کشیده‌های نازیبای صفحه ۱۲۴ سمت راست به هیچوجه معمول و مرسوم نبوده است و اصولاً بخاطر خاصیت طبیعی ذوق و اصول زیباشناسی ذهن آنها را بر نمی‌تابد و قبول خاطری نسبت به آنها بوجود نمی‌آورد. به عینه مطالبی که در مورد کشیده‌های نازیبا مذکور افتاد در مورد کشیده‌های نادرست نیز مصداق دارد و این دسته از کشیده‌ها که حدود ۱۳ صفحه کتاب به آنها اختصاص یافته هیچگاه مورد استفاده در آثار هنری مرغوب خط نبوده و نیستند. در بحث اندازه کشیده‌ها می‌توان اذعان داشت که مؤلف محترم در ارائه اندازه‌ها چه در مفردات کشیده‌ها و چه در کلمات کشیده‌ها بسیار موفق بوده و این ویژگی جلوه مهم این اثر است. (مراجعه به صفحه ۱۴۰ و ۱۴۱ و ۱۴۲ و ۱۴۳)

در صفحه ۱۴۵ اثر، مؤلف محترم تقسیم بندی دیگری از نظر اندازه براساس معیار دانگ ارائه می‌دهد. بنظر می‌رسد این تقسیم بندی از کشیده‌ها براساس شیوه آداب المشق بایا شاه اصفهانی که به میر عماد نسبت داده شده، اعمال شده است زیرا در صفحه ۳ این اثر آنجا که می‌گوید «... و اگر سطر بقدر مصرعی بوده باشد در او یک مدّ تمام و یا دونیم مدّ و یا سه دودانگه مدّ و یا دودانگه مدّ و یک نیم مدّ و یا یک دودانگه مدّ و یک چهار دانگه مدّ قرار باید داد و اولی آن است که مدّ در اول و آخر مصرع نباشد و اگر در آخر مصرع بر بالای حرفی واقع شود بد نیست و مصرعی چون در زیر مصرعی نویسند باید که مدّات برابر یکدیگر نباشد...»

در اینجا مؤلف محترم در مقابل شش دانگ با معیار اندازه گیری نقطه، اعدادی را قرار داده که به نظر می‌رسد در جریان بحث و نظر سایر صاحب نظران لازم است از قوت و استحکام بیشتری برخوردار شود.

کرسی کشیده‌ها از قسمتهای بسیار مفید کتاب است و ترکیب بندیهای مؤلف محترم مثلاً در صفحه ۱۵۴ ملهم از آثار استاد امیرخانی در آداب الخط (۱۳۷۰) می‌باشد و مؤید این نکته است که مؤلف یکی از منتقل کنندگان و اشاعه دهندگان آن شیوه پاکیزه در عرصه هنر خوشنویسی امروز جامعه است.

در مورد استفاده از کلمه نامانوس «آبخور» پیشنهاد این است که واژه مناسب تری به کار گرفته شود مثلاً «فرو رفتگی» که براحتی در اذهان قرار گیرد در این مورد نیز همچنان که در سراسر کتاب مشهود است تقسیم بندیها اعمال شده و مثلاً آبخورها در شش دسته معرفی شده‌اند.

کتاب در نهایت با ارائه بحث اولویت انتخاب کشیده‌ها که در تداوم محتوایی کتاب «ترکیب در

نستعلیق» بوده و بحث اندازه کشیده‌ها و ارائه نمونه‌هایی بسیار شیرین و شیوا از نظم و نثر به پایان می‌رسد. نکته مهم و درخور توجهی که این اثر را بطور حتم در منظر نظر هنرجویان و اهل قلم دلپذیر و گیرا می‌نماید مضامین زیبایی است که از آنها در نگارش قطعات استفاده شده است. «کتاب کشیده» بعد از کتاب «ترکیب در نستعلیق» ادامه دهنده آموزش تخصصی اصول خوشنویسی است و از این جهت کوششی ارجمند به شمار می‌رود و مؤلف محترم آن با پشتوانه بالای هنر خوشنویسی در گامهای بعد بطور حتم از توفیق بیشتری برخوردار خواهند بود. زیرا روش تدوین مورد نظر او از سازواری و منطق درونی برخوردار است هر چند که گذشت زمان و نظر ناقدان دلسوز می‌تواند راه را برای او هموار کند. در پایان مباحث این نوشتار اشاره به این نکته نیز ضروری می‌نماید که نوع شیرازه این کتاب و بالا رفتن صفحات آن در مقایسه با سایر آثار آموزشی - که مثلاً در قیاسی با ترکیب در نستعلیق چهار برابر شده است - بطور متعارف هنرچوپسند نمی‌باشد. زیرا معمولاً هنر جویان علاقه دارند کتاب براحتی گشوده شود تا آنان نیز بتوانند از نمونه‌های ارائه شده مشق قلمی کنند. این اثر از آن جهت که در پرداختن به یکی از عناصر مهم زیبا شناختی نستعلیق یعنی کشیده اهتمام خاص ورزیده تلاشی در خور توجه به شمار می‌آید و جایگاه آن در کنار آثار تعلیمی قدیم و رسم الخطهای مهمی چون آداب الخط امیرخانی بسیار مقتنم است. برای مؤلف محترم اثر ضمن عرض پوزش از آنچه که «نقد دلسوزانه» نام داشت توفیق روزافزون در ارائه آثار جذاب تر داریم.

